

نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران

به شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

دوستان، برادران و خواهران ایمانی

با سلام و دعای توفیق طاعت و خدمت

اخیراً در برخی از روزنامه‌های تهران (از جمله شماره مورخ ۷۶/۷/۲۰ روزنامه رسالت) اطلاعیه‌ای به امضای «تعدادی از اعضای سابق انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور و مجمع عمومی دفتر تحکیم وحدت» به تاریخ ۷۶/۷/۱۹ که حاوی حملات سیاسی و تهمت‌های بی‌اساس به نهضت آزادی ایران می‌باشد، درج شده است. از آنجا که نام هیچ شخص حقیقی در پای اطلاعیه نیامده است و فرد یا افراد مشخصی مسئولیت مفاد آن را نپذیرفته‌اند، ناچار باید آن را ساخته و پرداخته نهادها و مراکز غیبی دانست و به حکم آیه شریفه «وإذا مروا باللغو مروا کراماً» بی‌اعتنا از کنار آن گذشت. ولی چون به هر حال از نام دفتر تحکیم وحدت، که یک شخصیت حقوقی شناخته شده است، استفاده شده و مطالبی مطرح گردیده است که بررسی و پاسخگویی به آنها برای روشن شدن اذهان اعضای محترم انجمن‌های اسلامی دانشجویان، دفتر تحکیم وحدت و همه دانشجویان ضروری است، درخواست می‌کنیم که توضیحات زیر در اختیار عموم اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان در سراسر کشور قرار داده شود.

در مطلع اطلاعیه مزبور به نقل از رهبر فقید انقلاب آمده است: «نگذارید مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوتاه‌نظر دیروز به صحنه‌ها بازگردند» و سپس به مسائلی از قبیل جنگ، رابطه با آمریکا، گروگانگیری و ... اشاره شده، در پایان ادعا شده است که: «بدون تردید، مصداق روشن و حقیقی مدعیان بی‌خبر امروز و قاعدین کوتاه‌نظر دیروز کسی جز ملی‌گرایان بی‌فرهنگ و گروهک نهضت به اصطلاح آزادی نمی‌باشد و با مراجعه به مواضع، ادعاها و عملکرد دیروز و امروز آنها این واقعیت قابل اثبات است، البته برای افرادی که شک داشته باشند».

همه این مقدمات و اتهامات و حملات بی‌اساس و خصمانه به نهضت آزادی ایران به بهانه گفت‌وشنود برخی از اعضای دفتر تحکیم وحدت با «عناصر معلوم‌الحال و شناخته شده گروهک غیرقانونی نهضت آزادی ایران» (به قول نویسندگان اطلاعیه) می‌باشد.

و اما توضیحات نهضت آزادی ایران:

۱- آنچه از رهبر فقید انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در این اطلاعیه نقل شده است ربطی به نهضت آزادی ایران ندارد، بلکه مورد خطاب ایشان سازمانها و گروههایی بودند که قبل از انقلاب اعتقادی به مبارزه سیاسی نداشتند و هر نوع دگرگونی و گشایش را موکول به ظهور حضرت

صاحب‌الامر (عج) می‌دانستند. نهضت آزادی ایران، به حکم اسناد تاریخی که در اختیار مردم آگاه و علاقمند به تاریخ مبارزات سیاسی قرار دارد، هرگز از صحنه مبارزه بر ضد استبداد مطلقه سلطنتی و استیلای بیگانگان غایب نبوده است. مؤسسين و رهبران نهضت آزادی در دوران جنبش ملی شدن صنعت نفت علیه استعمار انگلیس حضور فعالانه داشتند. پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به ابتکار انگلستان و آمریکا و با سکوت و حمایت اتحاد شوروی علیه حکومت ملی دکتر مصدق و برای بازگرداندن محمدرضا پهلوی - که از ترس انتقاد مردم به خارج از کشور گریخته بود - برپا شد، نهضت مقاومت ملی ایران توسط جمعی از همکاران دکتر مصدق، رجال ملی و ملی - مذهبی، علمای برجسته دینی، استادان دانشگاه، شخصیت‌های مبارز و مقاوم بازار، دانشجویان و... پایه‌ریزی شد. چهره‌های برجسته‌ای چون دکتر یدالله سبحانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر عبدالله معظمی، آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی، آیت‌الله سیدعلی رضوی قمی، آیت‌الله انجلی، آیت‌الله سیدضیاءالدین حاج‌سیدجوادی، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، استاد علی‌اکبر دهخدا، آیت‌الله فیروزآبادی، عباس رادنی، رحیم عطایی، داریوش فروهر، دکتر نخشب، دکتر محمد قریب، دکتر نعمت‌اللهی، مهندس کاظم حسینی و دکتر مهدی آذر در این حرکت عظیم ملی حضور داشتند و از آن حمایت می‌کردند. به دلیل شرکت فعالانه در این مبارزات و مقاومت‌ها بود که مرحوم مهندس بازرگان، دبیرکل نهضت آزادی ایران، به همراه یاران وفادار و ثابت قدمش چندین بار در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ به زندان رژیم پهلوی افتاد.

نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ به همت کسانی که سالها در سنگر نهضت مقاومت ملی علیه استبداد مطلقه سلطنتی و سلطه امپریالیسم آمریکا و انگلیس مبارزه می‌کردند، تأسیس شد. بزرگانی چون آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، رحیم عطایی و سیداحمد صدرحاج سیدجوادی از جمله مؤسسين آن بودند. به دلیل مقاومت، مبارزه و ایستادگی بر سر اصول بود که بزرگواران یاد شده چندین بار به زندان افتادند و سرانجام عده‌ای از آنها در بیدادگاههای نظامی به حبس‌های طولانی محکوم شدند. رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران حتی در زندان نیز به مقاومت و مبارزه خود ادامه دادند، به طوری که آنها را به زندانهای واقع در شهرستانهای دوردست، نظیر برازجان، منتقل کردند.

نهضت آزادی ایران در خارج از کشور نیز در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد. شخصیت‌های بزرگی چون دکتر علی شریعتی و دکتر مصطفی چمران از اعضای مؤسس آن بودند. نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، به تصدیق دوست و دشمن، نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در مبارزات خارج از کشور و شکل‌گیری فکری و سیاسی هزاران جوان و دانشجوی مسلمان ایرانی داشته است. با توجه به همین سوابق روشن، درخشان و افتخارآمیز بود که رهبر فقید انقلاب رهبران نهضت آزادی ایران را به عضویت در شورای انقلاب دعوت کردند و مسئولیت کمیته نظارت بر تولید و صدور نفت و سپس تشکیل دولت موقت انقلاب را به آقای مهندس بازرگان سپردند و در حکم ایشان تصریح کردند که:

«به موجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم، جنابعالی را...»

انتصاب آقای دکتر سبحانی به سرپرستی کمیته راهبری اعتصابات دوران انقلاب نمونه دیگری از اعتماد رهبری انقلاب به برجستگان نهضت آزادی بود. علاوه بر این، براساس تشخیص همین مبارزات و خدمات بود که قبل از انقلاب، آیت‌الله خمینی آقای دکتر یزدی، دبیرکل کنونی نهضت آزادی ایران، را کتباً و رسماً به عنوان نماینده ویژه خود معرفی کردند و به ایشان اجازه دریافت وجوه شرعی و هزینه کردن

آنها را دادند و بعد از انقلاب نیز، در احکام متعدد، ایشان را مورد وثوق خود و صاحب مدیریت قوی و به عنوان کسی که ۲۰ سال است می‌شناسند، معرفی کردند.

در مورد سایر افراد برجسته نهضت آزادی نیز واگذاری مسئولیتهای وزارت، معاونت وزیر، شهرداری و... دلایل بارزی بر ارج‌گذاری به سوابق مبارزاتی و ایمان و اعتقاد آنان بوده است. حال چگونه است که کسانی که حتی شهامت درج نام خود را در پای یک اعلامیه ندارند - در حالی که مورد تأیید مقامات و نهادهای قدرت نیز هستند - نهضت آزادی را تخطئه می‌کنند و اعضای آن را مصداق «قاعدین کوتاه‌نظر دیروز و مدعیان بی‌هنر امروز» می‌دانند؟ آیا اینها متعمداً فراموش کرده‌اند که قاعدین کوتاه‌نظر دیروز و مدعیان بی‌هنر امروز همان کسانی هستند که بعد از انقلاب بسیاری از مراکز قدرت را به دست گرفته‌اند و راه را بر مبارزان و انقلابی‌های واقعی و هنرمندان بی‌ادعا بسته‌اند؟!

۲- نویسندگان اطلاعیه در مورد صلح و جنگ، نهضت آزادی را مصداق مدعیان بی‌هنر و قاعدین کوتاه‌نظری دانسته‌اند که «تا دیروز زیر نقاب دروغین صلح خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند».

نهضت آزادی ایران هرگز نقاب بر چهره به صحنه مبارزات و ایفای وظایف ملی و دینی وارد نشده است. اگر ایرادی به نهضت آزادی باشد، همانا صراحت و صداقت رهبران و برگزیدگان آن است. نقاب بر چهره‌داران و گندم‌نمایان جو فروش، کسانی هستند که همه ارزشهای والای دینی و قرآنی را در پای امیال قدرت‌طلبانه خود، زیر نقاب حفظ آن ارزشها، قربانی می‌کنند. کسانی که مردم را به توبه دعوت می‌نمایند، اما خود کمتر توبه می‌کنند.

نهضت آزادی ایران به درگاه ایزد منان شکر جمیل به جای می‌آورد که با توکل بر او، مواضع خود را در مورد جنگ تحمیلی طی اعلامیه‌های متعدد با صراحت، و نه زیر هیچ نقابی، ابراز داشته و از احدی جز خدای یکتا واهمه نکرده است.

نهضت آزادی ایران - بنا بر شواهد، قراین و عللی که آنها را در نشریات خود به تفصیل بیان کرده است - حمله عراق به ایران را هم قابل پیش‌بینی و هم قابل پیشگیری می‌دانست. دیپلماسی دولت موقت براساس منزوی ساختن عراق در منطقه و پیشگیری حمله بود. گروگانگیری در ایران تعادل نیروها را در منطقه به نفع عراق بر هم زد و جنگ بر ایران تحمیل شد. از آغاز جنگ تا آزادسازی خرمشهر، نهضت آزادی همگام و همراه با تمامی قشرهای ملت از نبرد علیه مهاجمان، در حد توان و امکانات خود، حمایت می‌کرد. سردار شهید دکتر مصطفی چمران - عضو مؤسس نهضت آزادی ایران در خارج از کشور و عضو شورای مرکزی نهضت آزادی - که به سمت نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب شده بود، به جنوب رفت و تمام تجاربی را که در مصر و لبنان کسب کرده بود، در خدمت سازماندهی جنگ مردمی علیه ارتش متجاوز به کار گرفت. در حالی که مدعیان نقاب بر چهره، در همان بحبوحه، نقشه حذف او را در سر می‌پروراندند و نام عزیزش را در فهرست کسانی که سزاوار اعدام می‌دانستند، گنجانده بودند.

بعد از آزادی خرمشهر، نهضت آزادی ایران ادامه جنگ را در آن سوی مرزهای بی‌المللی به مصلحت کشورمان نمی‌دانست و لذا با صراحت و صداقت و قبول خطرهای بزرگ حیثیتی و فیزیکی نظرات و دلایل خود را در نامه‌های خصوصی به رهبر فقید انقلاب و شورای عالی دفاع نوشت و در بیانیه‌های عمومی برای ملت ایران مطرح ساخت. رهبر فقید انقلاب خود مصراً مخالف ادامه جنگ بعد از فتح

خرمشهر بودند، اما مسئولان اداره جنگ نظرشان بر خلاف نظر امام بود و صد افسوس که سرانجام نظر خود را به ایشان قبولاندند. مرحوم حاج سیداحمد خمینی، در یک سخنرانی ضبط شده بر روی نوار که متن آن بعد از درگذشت ایشان در شماره مورخ ۷۴/۱/۱۴ روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شد، چنین گفته بود:

«در مورد مسائل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود اما بالاخره مسئولین جنگ گفتند که ما باید تا کنار شطالعرب (اروند رود) برویم تا بتوانیم غرامت خودمان را از عراق بگیریم. امام اصلاً با این کار موافق نبودند و می‌گفتند اگر بناست که شما جنگ را ادامه بدهید بدانید که اگر این جنگ با این وضعی که شما دارید ادامه یابد و شما موفق نشوید، دیگر این جنگ تمام شدنی نیست و ما باید این جنگ را تا نقطه‌ای خاص ادامه بدهیم و اکنون هم که قضیه فتح خرمشهر پیش آمده بهترین مقطع برای پایان جنگ است.»

به طوری که ملاحظه می‌شود، نهضت آزادی تنها مخالف ادامه جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر نبود. بر طبق اظهار نظر رسمی آقای هاشمی رفسنجانی، جنگ ۸ ساله بیش از هزار میلیارد دلار به ایران زیان وارد کرده، صدها هزار شهید و معلول (جانباز) بر جای گذاشته است. قسمت اعظم این خسارات و تلفات انسانی و اقتصادی مربوط به دوران بعد از فتح خرمشهر می‌باشد. متأسفانه، حتی بعد از آزادی خرمشهر، در مراحل از جنگ که ایران از موقعیت برتر نظامی و سیاسی برخوردار بود و می‌توانست با حسن استفاده از موقعیت برتر، جنگ را از موضع قدرت به نفع خود متوقف کند، چنین نشد. اداره‌کنندگان جنگ با بهانه‌های واهی و خیالات بی‌پایه زیر بار نرفتند و در شرایط بسیار نامناسبی جام زهر را به دست رهبر فقید انقلاب دادند و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفتند. متأسفانه پس از گذشت ده سال از پذیرش آن قطعنامه، و پایان جنگ، هنوز یک بررسی واقع‌بینانه و همه‌جانبه از جنگ صورت نگرفته است و مسئولان اداره و ادامه جنگ به جای پاسخگویی به ملت و روشن کردن ابهامات، هر نوع صدا و سؤالی را خاموش کرده‌اند و می‌کنند.

با وجود آنکه نهضت آزادی ایران ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را به نفع مصالح ملی نمی‌دانست، در هر بیانیه و قطعنامه‌ای، از حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان جبهه و حمایت‌های بی‌دریغ و بی‌سابقه مردم پشت جبهه تجلیل به عمل آورد و هم اکنون نیز مصرانه بر این باور است که باید حساب کسانی که از طریق خریدهای نظامی ثروتهای کلانی اندوخته‌اند به طور جدی رسیدگی شود. همان طور که قبلاً نیز گفته و نوشته‌ایم، در حالی که رزمندگان ایثارگر در جبهه‌ها سرگرم رزم با دشمنان بودند، در مرکز کشور و در برخی از محافل قدرت بساط بزم‌های اقتصادی و زراندوزی بر پا بوده است.

۲- نویسندگان بی‌نام و نشان اطلاعیه کذایی، نهضت آزادی ایران را متهم کرده‌اند که: «دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند و اگر در حکومت موقت باقی می‌ماندند، ملت‌های مظلوم به ویژه ملت عزیز ما اکنون در چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سربلند نمی‌کرد.»

دشمنان و بدخواهان نهضت آزادی تاکنون نتوانسته‌اند حتی یک سند و مدرک قابل اعتنا ارائه دهند که به موجب آن رهبران و فعالان نهضت آزادی در سختی‌ها و یا در گشایش‌ها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز کرده و یا در برابر مصالح و منافع ملی، مسامحه و تساهل نشان داده باشند. ما از این همه بی‌تقوایی‌های دشمنان به خدا پناه می‌بریم!

و اما در مورد ادامه کار دولت موقت، اولاً شادروان مهندس بازرگان نه تنها هیچوقت داوطلب مقام نخست‌وزیری نبود، بلکه به شدت از قبول آن خودداری می‌ورزید و اگر اصرار و پیگیری رهبر فقید انقلاب نبود، هرگز چنان مسئولیتی را نمی‌پذیرفت. کما این که وقتی معلوم شد که چاقوی بی‌تیغ‌ای را به دست ایشان داده‌اند و بی‌وفایی‌ها و جفاها را مشاهده کرد، چندین بار آمادگی استعفا و کناره‌گیری خود را رسماً و کتباً اعلام نمود و هر بار با عدم قبول استعفا روبرو شد و شاید اگر در آخرین بار متن استعفای خود را به خبرگزاری‌ها و رسانه‌های عمومی نداده و رهبری در برابر عمل انجام شده‌ای قرار نگرفته بودند، باز هم بر ادامه کار دولت موقت اصرار می‌ورزیدند. بنابراین، رئیس دولت موقت و همکاران ایشان نه نقابی بر چهره زده بودند و نه اصراری برای باقی ماندن در مسند قدرت داشتند. آنان قبول خدمت را با احساس مسئولیت و به قصد خدمت به خلق و رضای حق پذیرفته بودند.

در مورد سیاست خارجی دولت موقت نیز باید یادآور شویم که اصول و مبانی سیاست خارجی دولت موقت براساس نوشتاری بود که توسط وزیر امور خارجه - آقای دکتر ابراهیم یزدی - تدوین و تنظیم شده و به تصویب دولت، شورای انقلاب و رهبر فقید انقلاب رسیده بود. در آن برنامه هیچ بخش محرمانه‌ای دور از چشم ملت وجود نداشت.

در دوران نه ماهه دولت موقت، تمام احزاب و گروه‌های سیاسی و رسانه‌های جمعی آزاد بودند. بخش عمده‌ای از احزاب سیاسی، از جمله حزب جمهوری اسلامی، حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق، جنبش مسلمانان مبارز، با دولت موقت مخالف بودند. تمام فعالیت‌های دولت زیر ذره‌بین چشم‌های ناظر - اکثراً مخالف دولت - قرار داشت. حتی رادیو و تلویزیون علیه دولت تبلیغ می‌کرد!! با وجود این، ایراد و انتقاد جدی و واقعی بسیار کم مطرح می‌شد و غلبه با هوچی‌گری و غوغاسالاری بود. حال چگونه است که بعد از ۱۹ سال، افرادی که حاضر به معرفی نشده‌اند، چنین ادعاهای واهی را مطرح می‌کنند؟

اما در مورد رابطه دیپلماتیک با آمریکا، اولاً رهبر فقید انقلاب، شورای انقلاب و دولت موقت متفق‌القول بودند که باید با آمریکا به صورت کجدار و مریز رفتار شود. هیچ یک از آنها اعتقادی به قطع رابطه نداشتند و چنین پیشنهادی در هیچ زمانی مطرح نگردید. حتی هنگامی که وزیر امور خارجه دولت موقت صلاحیت سفیر جدیدی را که دولت آمریکا معرفی کرده بود، مردود دانست و طی گزارش خود به هیأت وزیران پیشنهاد عدم صدور آگرمات (پذیرش) را داد - که مورد تصویب دولت و سپس شورای انقلاب قرار گرفت - و پیرو آن، مراتب را به رهبر فقید انقلاب گزارش داد، در برابر سؤال ایشان از رهبر انقلاب، در مورد سیاست ادامه یا قطع رابطه با آمریکا، رهبر فقید انقلاب با صراحت و روشنی جواب دادند: «خیر، با آنها فعلاً مماشات کنید، کجدار و مریز رفتار نمایید». بعد از کناره‌گیری دولت موقت، دولت شورای انقلاب نیز خواهان قطع رابطه با آمریکا نبود و سرانجام نیز دولت آمریکا روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد و دولت ایران در این مورد پیشگام نشد.

ثانیاً به موجب اسناد و مدارکی که در وزارت امور خارجه و معاونت حقوقی ریاست جمهوری وجود دارد، دیپلماسی ایران در دولت موقت جدی‌ترین و روشن‌ترین مواضع را در مذاکرات رسمی با دولت آمریکا، برای احقاق حقوق و مطالبات ایران از آمریکا، اتخاذ کرده بود.

اولین دولت انقلاب وارث قراردادهای نظامی گسترده‌ای بود که در زمان شاه با آمریکا منعقد شده بود. سیاست دولت موقت این بود که تمام آن قراردادها در چارچوب منافع و مصالح ملی ایران مورد

بررسی دقیق کارشناسانه قرار گیرد و سپس در مورد آنها تصمیم لازم گرفته شود. لغو یک جانبه این قراردادهای، به دلیل محتوای استعمارگرانه آنها، قطعاً به نفع ایران نبود، بلکه دولت آمریکا و شرکت‌های آمریکایی از این رهگذر بهره‌مند می‌شدند. در زمان نخست‌وزیری شاپور بختیار و یک هفته قبل از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷، دولت آمریکا به ابتکار و پیشنهاد سفیر آن دولت در ایران هیأت ویژه‌ای را روانه ایران ساخت و با اصرار و پیگیری آنها بود که دولت بختیار قراردادهای خرید تجهیزات نظامی را یک جانبه به ضرر ایران لغو کرد. مقامات دست‌اندرکار آمریکایی با صراحت نوشته‌اند که لغو آن قراردادهای توسط دولت ایران حداقل چهار میلیارد دلار به نفع دولت آمریکا بوده است.

براساس مطالعات و بررسی‌های دقیق کارشناسان وزارتخانه‌های امور خارجه (در زمان آقای دکتر یزدی) و دفاع (در زمان شهید دکتر چمران) فهرستی از مطالبات ایران از آمریکا تهیه شد. یکی از معروف‌ترین و جنجالی‌ترین آنها مربوط به پرونده ۲۳ میلیارد دلاری حساب تنخواه گردان ایران در آمریکاست. این پرونده آن قدر به طور جدی پیگیری می‌شد که مقامات آمریکایی مستأصل شده بودند. پرونده یادشده هم اکنون نیز در دیوان داوری لاهه که براساس بیانیه الجزایر، مسئول رسیدگی به دعاوی ایران و آمریکا است، مطرح می‌باشد. کلیه اسناد و مدارک و شرح کامل مذاکرات نمایندگان دولت ایران در زمان دولت موقت با نمایندگان دولت وقت آمریکا در اختیار حوزه معاونت حقوقی ریاست جمهوری قرار دارد. به موجب ارزیابی و نظر کارشناسان حقوقی این نهاد، مسئولان دیپلماسی دولت موقت در مذاکرات با دولت آمریکا اصولی‌ترین مواضع را در احقاق و مطالبه حقوق و منافع ملی ایران داشته‌اند. افراد علاقمند می‌توانند به نهاد مذکور مراجعه کنند و از آنها بخواهند که متن این مذاکرات را برای اطلاع ملت ایران منتشر نمایند تا دروغ‌گویان و تهمت‌زنان رسوا شوند.

تماس و مذاکره با مقامات آمریکا حتی بعد از کناره‌گیری دولت موقت و با وجود مسائل ناشی از گروگانگیری ادامه یافت. آقای هنری پرشت از وزارت امور خارجه آمریکا با مرحوم دکتر بهشتی تماس مستقیم داشت. (قبل از انقلاب هم چنین تماسی وجود داشت). بر اثر همین تماس‌ها و موافقت شورای انقلاب بود که هیأتی به ریاست رمزی کلارک برای دیدار از ایران و مذاکره درباره گروگانها قصد سفر به تهران را داشت که رهبر فقید انقلاب طی بیانیه کوتاهی با سفر آنان به ایران و مذاکره مقامات ایرانی با آنها مخالفت کردند.

حتی بعد از آن که دولت آمریکا روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد، دیدار و مذاکره مقامات عالی رتبه ایرانی با نمایندگان دولت آمریکا ادامه یافت، تا آنجا که هیأتی به ریاست مک فارلین، رئیس شورای امنیت ملی آمریکا، به ایران آمد و با برخی از مقامات ایرانی دیدار و مذاکره کرد، بدون آن که ملت ایران کمترین اطلاعی از متن و محتوای این مذاکرات به دست آورد. اسناد این تماس‌ها و مذاکرات، تحت عنوان «گزارش کمیسیون تاور»، در میلیونها نسخه و در اکثر کشورهای جهان منتشر شد. در ایران، خواص داخل و بیرون حاکمیت آن گزارش را خواندند و از ماجراهای پشت پرده مطلع شدند اما به رغم وعده دادن به مردم مبنی بر این که ترجمه اسناد بزودی توسط دولت منتشر خواهد شد، مردم ایران هیچ گاه به اصل یا ترجمه آن گزارش دست نیافتند.

حال چه شده و چگونه است که نویسندگان اطلاعیه علیه نهضت آزادی ایران - که از حمایت نهادهای قدرت برخوردارند - به جای پیگیری سفر مک فارلین به ایران، شناسایی و شناساندن عاملان ادامه جنگ خانمان برانداز بعد از آزادی خرمشهر و هزینه خسارات هزار میلیارد دلاری، پیگیری خریدهای

بی حساب اسلحه به قیمت خون جوانان و رسیدگی به حسابهای دلالتان فربه شده خرید اسلحه، و... به دروغ‌پردازی علیه دولت موقت و نهضت آزادی ایران می‌پردازند؟!

۴- نویسندگان اطلاعیه کذابی مدعی شده‌اند که «مؤسسين و رهبران نهضت آزادی ایران کسانی هستند که ضرر آنها به اعتبار آن که متظاهر به اسلام هستند» و با «دخالت‌های بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است شوند».

اولاً بی‌تردید متظاهران به اسلام و ریاکاران بدترین لطمات را به اسلام زده‌اند و می‌زنند. قرآن کریم با کسانی که کردارشان با گفتارشان متناقض است و آنانی که مصداق کلام ربوبی «اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم» هستند به شدت برخورد می‌کند. تاریخ اسلام گواه بر این است که متظاهرين به دین، ریاکاران و عالمان بی‌عمل بیش از دشمنان بی‌نقاب به اسلام و مسلمانان لطمه زده‌اند.

ثانیاً نه تنها بر طبق آیات شریف قرآن و احادیث معتبر نبوی، هیچکس حق ندارد که از موضع جهل یا فقر علمی به تفسیر و تأویل قرآن بپردازد و اگر چنین کرد، موجب فساد می‌گردد، بلکه این حکم در مورد تمام رشته‌های علمی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نافذ و صادق است. آیا کسانی که خود را فقیه می‌دانند، حق دارند که در تمام زمینه‌ها نه تنها اظهار نظر نمایند بلکه تصمیمات اساسی و کلان اتخاذ کنند؟ و یا در همه کارها، از امور نظامی و دفاعی گرفته تا مسائل پیچیده سیاست خارجی و امور بین‌المللی، دخالت کنند؟ آیا بخش عمده‌ای از مسائل و مشکلات عظیم کنونی کشورمان حاصل همین دخالت‌های غیراصولی نیست؟

ثالثاً نهضت آزادی ایران افتخار می‌کند که شخصیت‌های قرآن‌شناس کم‌نظیری چون آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان از مؤسسين و رهبران آن بوده‌اند و دهها اثر سترگ قرآنی، نظیر پرتوی از قرآن، سیر تحول قرآن و بازگشت به قرآن، قبل و بعد از انقلاب، از آن بزرگواران در چاپ‌های متعدد منتشر شده است. آیا تاکنون شخصیتی از میان مفسران برجسته و شناخته شده قرآن کریم در حوزه‌های علمیه، نقد یا اعتراض اصولی و مستدل بر تفاسیر و آثار قرآنی رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران نوشته است؟ آیا رهبر فقید انقلاب در حکم انتصاب مهندس بازرگان به نخست‌وزیری ایمان راسخ وی را به مکتب مقدس اسلام تأیید نمودند؟ رهبر کنونی انقلاب نیز در تلگرام تسلیتی که به مناسبت درگذشت مهندس بازرگان به آقای دکتر یدالله سبحانی مخابره کردند، چنین نوشتند: «...ایشان یکی از مبارزین دیرین با رژیم ستمشاهی و نیز از جمله پیشروان ترویج و تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی با زبان و منطق و شیوه نوین بود و از این رهگذر بی‌شک در چشم همه علاقمندان به گسترش و رواج ایمان اسلامی در میان طبقات تحصیل کرده در دوران خفقان و دین‌زدایی رژیم پهلوی دارار شأن و ارزش بخصوص بود».

آیا چنین شخصیت‌هایی تفسیر و تأویل جاهلانه از قرآن و احادیث کرده‌اند؟ زهی بی‌تقوایی!
۵- در مورد فتوای قتل سلمان رشدی، نهضت آزادی ایران تنها یک اعلامیه در سال ۱۳۶۶ صادر کرد و به بحث و بررسی سیاسی و فقهی مسأله پرداخت. آیا صدور یک اعلامیه و اظهار نظر در چنین امری قلمفرسایی و صف‌آرایی است؟

۶- نویسندگان اطلاعیه مدعی شده‌اند که «مصداق کوتاه‌نظران دیروز و مدعیان بی‌هنر امروز» نهضت آزادی ایران است که: «تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را اقدامی وحشیانه و در جهت اهداف و برنامه‌های استکبار جهانی نامیده است».

آیا نتیجه نهایی گروگانگیری و امضای بیانیه الجزایر به نفع استکبار جهانی نبوده است؟ در مورد اشغال سفارت آمریکا در تهران، آنچه نهضت آزادی ایران گفته است و می‌گوید این است که به موجب معاهدات بین‌المللی، حفظ امنیت اتباع و سفارتخانه‌های خارجی در هر کشور بر عهده دولت میزبان است. هرگاه رفتارهای فردی یا گروهی کارمندان و اعضای یک سفارتخانه خارج از مقررات بین‌المللی و وظایف خاص و معین آنها باشد، دولت میزبان می‌تواند آنها را فرداً یا تماماً اخراج کند، سفارتخانه را ببندد و قطع رابطه نماید. جلوگیری از تعرض به سفارتخانه‌های خارجی وظیفه دولت میزبان است. بعد از پیروزی انقلاب، سازمانهای ضدانقلاب در خارج از کشور در چندین نوبت به سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌های ایران در کشورهای خارجی حمله کرده، کارمندان و اعضای آنها را به گروگان گرفتند، اسنادشان را به یغما بردند و خساراتی به ساختمانها وارد ساختند. در هر یک از این موارد، دولت ایران، به حق به دولت میزبان اعتراض کرده، مسئولان مربوط را همدست مهاجمان ضدانقلاب معرفی کرده است. حمله به یک سفارتخانه و گروگانگیری در شأن یک دولت انقلابی مسلط بر اوضاع، نظیر جمهوری اسلامی ایران نبوده است و نمی‌باشد.

به موجب اسناد و مدارکی که در داخل ایران - توسط دانشجویان خط امام - و در خارج از ایران منتشر شده است، مقامات دولت آمریکا از طریق گزارشهای سفیر و سرکنسول خود در ایران می‌دانستند که اگر شاه را به آمریکا ببرند، در ایران گروگانگیری خواهد شد. نتیجه ارزیابی آنها از وضع سیاسی ایران و تنفر عمیق مردم از شاه و آمریکا آن بود که چنان واکنشی را پیش‌بینی می‌کردند. آنها - یا بهتر است گفته شود که جناحهای با نفوذی در دولت آمریکا - با اطمینان از چنان واکنشی، شاه را به آمریکا بردند تا گروگانگیری صورت گیرد و آنان بتوانند پیامدهایی را که در نظر داشتند پدید آورند. مفهوم و معنای این سخن این نیست که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - اجراکنندگان آن برنامه - خدای ناکرده عامل آمریکا بودند. نهضت آزادی ایران هیچگاه چنین اتهامی نزنده است. اما آن عمل و برنامه را در چارچوب منافع و مصالح درازمدت کشورمان نمی‌دانسته است. اگر آن روز، نهضت آزادی با روشن‌بینی و اشراف بر مسائل سیاسی و تعهد و علاقه به منافع و مصالح ملی چنان موضع و تحلیلی را داشت و برای بسیاری قابل فهم و هضم نبود، امروز بعد از گذشت ۱۸ سال، درک و فهم چنین امری نباید خیلی مشکل باشد، به ویژه آنکه رهبران با انصاف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اکنون خود معترفند که به رغم نیت و انگیزه‌های خیرخواهانه و میهن‌دوستانه آنان، حاصل و نتیجه کارشان در مجموع به ضرر ایران بوده است.

۷- در مورد ولایت فقیه، نویسندگان اطلاعیه مدعی شده‌اند که چون نهضت آزادی ایران اعتقادی به ولایت مطلقه ندارد و آن را از دیدگاه قرآن بی‌اساس و در حکم شرک می‌داند، افراد آن مصداق «قاعیدین کوتاه‌نظر دیروز و مدعیان بی‌هنر امروز» هستند.

معتقدان ولایت فقیه چنین ادعا می‌کنند که ولی فقیه می‌تواند حتی «توحید» را هم تعطیل کند. آیا تعطیل توحید جز به معنای شرک است؟

ولایت فقیه موضوعی است که در میان علمای اسلامی مورد بحث است و این اختلاف هم در نسبی بودن و هم در مطلق بودن آن می‌باشد. بعضی آن را از مسائلی فقهی می‌دانند و برخی دیگر آن را مقوله‌ای کلامی می‌پندارند. بسیاری از علمای برجسته به ولایت مطلقه فقیه معتقد نیستند. شادروان آیت‌الله طالقانی - آن ستاره درخشان و پیشتاز جنبش بازگشت به قرآن - در مجلس خبرگان، به اصول

مربوط به ولایت فقیه رأی منفی و مخالف داد. آیا ایشان هم از مصادیق «قاعدین کوتاه‌نظر دیروز و مدعیان بی‌هنر امروز» بوده‌اند؟ آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی - فرزند برومند و دانشمند مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی - نه تنها به آن اعتقادی ندارند، بلکه آن را در تعارض با رکن جمهوریت نظام می‌دانند.

نهضت آزادی ایران عمیقاً بر این باور است که یکی از انگیزه‌های بنیادی ملت ایران در برپایی انقلاب اسلامی کسب حقوق و آزادی‌های اساسی - از جمله حق حاکمیت بر سرنوشت خود - بود و نه تحقق حکومت و ولایت مطلقه فقیه. رهبر فقید انقلاب - به رغم این که موضوع ولایت فقیه را در نجف تدریس کرده بودند - در هیچ یک از بیانیه‌های سیاسی و مصاحبه‌های متعدد و سخنرانی‌های روزانه و هفتگی در پاریس، حتی یک بار هم نگفتند که می‌خواهند حکومت اسلامی بر اساس ولایت فقیه را جایگزین استبداد مطلقه سلطنتی نمایند. در پیش‌نویس اولیه قانون اساسی جدید - که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود و رهبر فقید انقلاب هم آن را تأیید و امضا کرده بودند - چیزی در ارتباط با ولایت فقیه ملحوظ نشده بود. موضوع ولایت فقیه بعداً در شرایط خاصی در متن قانون اساسی که توسط مجلس خبرگان تهیه شده بود، وارد شد و طی رفراندومی به تصویب مردم رسید.

بدون تردید، رکن اصلی و اساسی نظام سیاسی کشورمان جمهوریت است و هیچ جمهوریتی بدون قانون اساسی معنا و مفهوم ندارد. فلسفه سیاسی تدوین قانون اساسی تعریف و تبیین حدود و اختیارات هر یک از نهادهای حکومتی و مرز و قلمرو حقوق و آزادی‌های اساسی ملت است. قانون اساسی یک قرارداد اجتماعی و یک میثاق ملی و مردمی است و پس از تصویب مردم، همگان - اعم از موافق یا مخالف و معتقد یا غیرمعتقد - موظف به رعایت آن می‌باشند. تخلف از اصول و روح قانون اساسی در زیر هر اسم و عنوانی خلاف دستور قرآنی «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» است. (سوره مائده آیه ۱)

وقتی قانون اساسی صراحت دارد که رهبر در قوانین با سایر افراد کشور مساوی است، معنایش این است که هیچکس بالاتر از قانون نیست. هیچ فرد یا نهادی حقوق و اختیارات نانوشته در قانون اساسی ندارد. اگر قرار باشد که فردی یا نهادی بالاتر از قانون اساسی باشد و هر زمان که اراده کند، رأی و استتباط فردی خود را - هرچند که در جهت خیر و صلاح ملک و ملت باشد - اعمال نماید، این عین استبداد خواهد بود. برخی از هواداران ولایت مطلقه فقیه معتقد به تفسیرهای خاص خود از آن هستند و اعتقادی به آزادی و حقوق مردم، حاکمیت ملت و انتخابات ندارند. آنان مردم را صغیر و مهجور و نیازمند «چوپان» می‌دانند و به جای جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی معتقدند و از این زاویه، ولایت مطلقه فقیه را در برابر جمهوریت و حاکمیت مردم قرار می‌دهند و آن را بالاتر از قانون می‌دانند.

بدون شک، شخصیت‌های برجسته، احزاب و گروه‌هایی هم هستند که با این نوع نگرش به هیچ وجه موافق نیستند.

نهضت آزادی ایران مصراً بر این باور است که وقتی قانون اساسی یا هر قانون دیگری از مجاری رسمی تعیین شده به تصویب رسیده باشد - حتی اگر ناقص یا نامناسب باشد - همه موظف به احترام و اجرای آن هستند و هیچکس حق ندارد که بر اساس رأی و نظر و تفسیر خود از اصول قانون اساسی عمل نماید.

نهضت آزادی ایران با هر نوع تخلف از قانون اساسی و زیر پا گذاشتن و نادیده گرفتن آن و نیز تعطیل برخی از اصول آن مخالف است و آن را به نفع نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌داند.

۸- نویسندگان اطلاعیه مدعی شده‌اند که مصداق قاعدین کوتاه‌نظر و مدعاین بی‌هنر امروز نهضت آزادی است، زیرا «تا آخرین لحظه همراه و هم‌عقیده با منافقین و بنی‌صدر خائن بوده‌اند».

نهضت آزادی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب رعایت نظم و قانون را برای تثبیت نظام جدید ضروری و لازم می‌دانست و بر رعایت اصول و موازین از جانب همه نیروها تأکید می‌کرد و در این راستا معتقد بود و می‌باشد که هر حزب و گروهی، صرف نظر از عقاید و باورهای سیاسی - حتی گروه‌هایی که باورهای سیاسی و اعتقادی آنها هیچ تناسبی با نهضت آزادی ایران نداشته باشد - حق دارد که در چارچوب قانونی اساسی آزادانه فعالیت کند. در واقع، نهضت آزادی ایران از اصالت و حرمت قانون اساسی دفاع کرده است و نه این یا آن گروه سیاسی. موضع نهضت آزادی ایران در مورد اولین رئیس جمهور منتخب مردم در جمهوری اسلامی ایران نیز در همین راستا بوده است، و نه براساس قضاوت و نگرش آن نسبت به شخص رئیس جمهور.

۹- در اطلاعیه مذکور آمده است: «نهضت آزادی ایران غیرقانونی است». این یک ادعای بی‌اساس است. نهضت آزادی ایران کاملاً قانونی است زیرا اولاً: به موجب قانون اساسی و قانون احزاب، فعالیت احزاب سیاسی علی‌الطلاق آزاد است و موکول و مشروط به دریافت مجوز یا پروانه نشده است. این امر به کرات توسط وزیران کشور اعلام شده است. ثانیاً: به موجب قانون احزاب، در صورتی که حزبی در فعالیت‌های خود مرتکب اعمال خلاف قانون شود، وزارت کشور (کمیسیون ماده ۱۰) می‌تواند به آن حزب تذکر شفاهی و یا اخطار کتبی بدهد و در نهایت، پرونده حزب خاطی را به دادگاه صلاحیت‌دار بفرستد تا بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی با حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد و اگر دادگاه تخلفات را تأیید کند، ممکن است که به انحلال حزب رأی دهد. اعلام انحلال یا غیرقانونی بودن احزاب سیاسی در اختیار و صلاحیت وزارت کشور (یا کمیسیون ماده ۱۰) نیست. نهضت آزادی ایران تاکنون از وزارت کشور (یا کمیسیون ماده ۱۰) تذکر شفاهی و یا اخطار کتبی در مورد تخلف از مقررات قانونی دریافت نکرده است و در هیچ دادگاهی محاکمه نشده و حکم انحلال یا غیرقانونی بودن آن صادر نگردیده است. بنابراین، نهضت آزادی ایران حزبی علنی و قانونی است.

۱۰- نویسندگان اطلاعیه تصور کرده‌اند که دانشجویان دانشگاهها و اعضای محترم دفتر تحکیم وحدت صغیر، بی‌اطلاع و جاهل نسبت به مسائل کشور و جهان هستند، بنابراین، ابراز نگرانی کرده‌اند که آنها با نشستن و سخت گفتن با سران نهضت آزادی ایران ممکن است منحرف شوند و از آنها سوء استفاده به عمل آید! بدون تردید، خطر سوء استفاده از احساسات پاک و بی‌آلایش دانشجویان همواره وجود دارد، اما این خطر هنگامی تشدید می‌شود که محیط دانشگاهها بسته نگاه داشته شده، به دانشجویان اجازه مطالعه و برخورد جدی با آرا و عقاید و اندیشه‌های متفاوت داده نشود و آنها بی‌خبر از اوضاع بمانند و یا اخبار و اطلاعات خود را فقط از مجاری معینی دریافت نمایند. فاتحه انجمن‌های اسلامی دانشجویان وقتی خوانده می‌شود که به آنها اجازه فکر کردن و پژوهش مستقل و انتخاب آزاد داده نشود.

جنبش دانشجویی ایران، در طول تاریخ پرافتخار خود، هر زمان که در معرض برخورد آرا و عقاید متفاوت قرار گرفته، رشد کرده و عمق و گسترش یافته است. بزرگترین خدمت به جنبش دانشجویی ایران فراهم آوردن امکانات برخورد آرا و عقاید در محیط‌های دانشگاهی است. از این زاویه، به

دانشجویانی که امکانات چنین برخوردهایی را در محیط دانشگاه فراهم کرده‌اند باید صمیمانه تبریک گفت و توفیق آنها را از خداوند منان خواستار شد.

۱۱- تصور نمی‌شد که حضور دبیرکل نهضت آزادی ایران در یک میز گرد و بحث آزاد پیرامون سیاست خارجی کشور، تا این حد موجب برآشفستگی و نگرانی برخی از نهادها و نیروها شود و چنین بازتاب و واکنش نامناسبی را موجب شود. برای تنویر افکار عمومی دانشجویان، بهتر آن است که به جای این گونه برخوردهای سطحی و بی‌پایه و از رده خارج شده، مطالبی را که در آن میز گرد در ارتباط با ایدئولوژی و سیاست خارجی مطرح شد، مورد نقد و بررسی قرار دهند.

* * *

در صورتی که این پاسخها و توضیحات، روشن‌کننده ابهامات نباشد، نهضت آزادی ایران آمادگی خود را برای شرکت در میزگردی به منظور پاسخگویی به هر یک از اتهامات و ایرادات مطرح شده در اطلاعیه مزبور، و یا موضوع دیگری اعلام می‌نماید.

در پایان، به خاطر طولانی شدن این نوشتار پوزش می‌خواهیم و از خداوند رحمان برای همه خدمتگزاران به ایران و اسلام آرزوی سلامتی و توفیق می‌کنیم.

نهضت آزادی ایران

مهرماه ۷۶